

حوادث۱۹جاذبه

تلنگر

🔪 دام شیطانی مدیر شرکت

برای دانشجوی پزشکی

دانشجوی پزشکی که برای تامین هزینه‌های دانشگاه به‌عنوان کارگر خدمات کار می‌کرد، قربانی نیت شیطانی کارفرمایش شد.

به گزارش جام‌جم، اواخر تابستان امسال دختر جوانی با مراجعه به پلیس از کارفرمای خود به دلیل آزار واذیت شکایت کرد وگفت: «دانشجوی رشته پزشکی هستم و مدتی قبل هم با همسرم به اختلاف برخوردیم و از هم جدا زندگی می‌کنیم. بعد از آن مشکل مالی پیدا کردم و در سایت دیوار دنبال کار می‌گشتم تا مخارج تحصیل را تامین کنم. يك آگهی نیاز به نظافتچی و کارت پخش کن دیدم و به دلیل نیاز شدید مالی به ناچار با آن تماس گرفتم. محل کار در سیدخندان بود و من در آنجا مشغول به کار شدم و حدود پنج ماهی بود در آنجا کار می‌کردم. يك روز کارفرمایم به اجبار مرا مورد آزار واذیت قرار داد.»
با طرح شکایت از سوی دختر جوان به نام بیتا، ماموران اقدام به دستگیری متهم کردند و پرونده برای رسیدگی به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. روز گذشته متهم در دفاع از خود گفت: «اتهام خود را قبول ندارم. من با بیتا ارتباط دوستی داشتم، اما هرگز او را به زور مورد آزار قرار ندادم. من نمی‌دانستم که او شوهر دارد و می‌خواستم او را به عقد موقت خودم درآورم.»

بیتا در مورد اظهارات متهم در دادگاه گفت: «من در مورد او تحقیق کرده‌ام و متوجه شدم که او با انتشار آگهی استخدام، دام شیطانی خود را برای دختران جوان دیگر به‌پهن کرده است.»

دادگاه بعد از بررسی محتویات پرونده، متهم را به تحمل ۹۹ضربه شلاق محکوم کرد.

🔪 مجازات قصاص

برای بوکسور جنایتکار

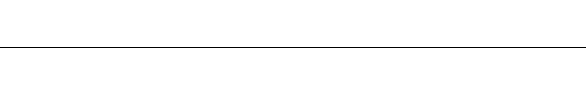
مرد بوکسور که در جنایتی هولناک دو دخترش و پدر و مادرنش را به قتل رسانده بود، با رای دادگاه به يك‌بار قصاص نفس و پرداخت دیه سه زن مسلمان و همچنین پرداخت دیه صدمات غیرممنتهی به فوت قربانیان محکوم شد.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، مهر سال قبل، مرد جوانی همراه برادرش به کالانتری نبرد مراجعه و به قتل چهار عضو خانواده‌اش اعتراف کرد. او در اولین اعتراف خود به ماموران گفت: «شب قبل از جنایت با همسر سابقم مشاجره کرده بودم. ما از هم جدا شده بودیم، اما به خاطر بچه‌ها در کنار هم بودیم. با رفتن همسرم به خانه برادرش به حالت جنون رسیدیم. برای همین اقدام به قتل اعضای خانواده‌ام کردم. مادر و پدر لیلان شب خانه ما بودند و من بعد از خواندن دروی خواب‌آور به دخترانم و مادر و پدر همسر سابقم، هر چهار نفر را به قتل رساندم.» بعد از اعترافات متهم و بازسازی صحنه قتل، پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری ارجاع شد. متهم در جلسه رسیدگی اتهامات خود را انکار کرد و گفت: «صبح روز حادثه وقتی از خواب بیدار شدم، دیدم که اهل خانه به قتل رسیده‌اند. نمی‌دانم چه کسی آنها را به قتل رسانده است.» دادگاه بعد از بررسی مستندات پرونده، نظریه دادخواست اولیای دم، متهم را محکوم به يك‌بار قصاص نفس و پرداخت دیه سه زن مسلمان و همچنین پرداخت دیه صدمات غیرممنتهی به فوت قربانیان کرد.

بازداشت ۳ قاتل در ۲ جنایت

مردی که پدرنش را کشته و زن و مردی که به انگیزه سرقت، مردی را به قتل رسانده بودند در دو عملیات جداگانه پلیسی بازداشت شدند.
به گزارش جام‌جم، سردار مظفری، فرمانده انتظامی استان خراسان شمالی در این باره گفت: مرد میانسالی اختلاف‌هایی با همسرش داشت. او با دیدن همسرش در یکی از خیابان‌های بجنورد دعوایش شد و بعد از پایان این دعوا همسراو به خانه پدرش رفت. مرد خشمگین در حالی که چاقویی به دست داشت ساعاتی بعد به خانه پدرنش رفت و بعد از دعوا با آنها همسرش و پدر او را با ضربه‌های چاقو زخمی کرد. او قصد فرار داشت که با تماس تلفنی به موقع همسایه‌ها با پلیس ماموران در محل حاضر شدند و او پیش از فرار بازداشت شد. این در حالی بود که پدرزن متهم ساعاتی بعد به‌دلیل شدت خونریزی فوت شد.
وی همچنین با اعلام این‌که در یکی از روستاهای بجنورد هم يك زوج جوان پس از سرقت خودرو، اوراق هویتی و کارت‌های بانکی مردی جوان او را به قتل رساندند، گفت: قاتلان آن مرد را به خانه یکی از بستگانش منتقل کردند و قصد آتش زدن با هدف از بین بردن شواهد را داشتند که با ورود نیروهای انتظامی به آن خانه جسد قبل از سوختن کشف و قاتلان دستگیر شدند.



کاسکت است، ضمن این‌که لباس ماموران پلیس را می‌توان از بازار تهیه کرد.
چند روز قبل فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که در آن دو مرد درحالی‌که لباس یگان ویژه نیروی انتظامی به تن دارند با باتوم درحال تخریب در خانه‌ای هستند.



نفیس، لوازم تزئینی و ... کشف و ضبط شد.
با بررسی ارزش ریالی اقسام سرقتی ارزش آن بیش از هشت میلیارد ریال برآورد شد.
سرهنگ علی آقاکارخانه، سرکلانتر سوم پلیس پیشگیری تهران بزرگ در این باره گفت: متهمان در جریان تحقیقات به بیش از صد فقره سرقت اعتراف کردند. متهمان درباره آشنایی خود با هنرپیشه مشهور نیز ادعا کردند که این فرد یکی از دوستان قدیمی و دوران کودکی یکی از آنها است و کلید خانه را از این هنرپیشه گرفته و آنها را به پاتوقی برای اعمال مجرمانه‌شان تبدیل کرده‌اند.

خیانت‌های سارق، راز گوشی قاپی‌های اورافاش کرد

دردسر سرقت گوشی گوینده خبر

پسر جوان که برای تامین هزینه ازدواج به گوشی‌قاپی‌های سریالی با دوستش دست می‌زد، گمان نمی‌برد گرفتار شود. او در سرقت آخرش، گوشی خامی که گوینده خبر تلویزیون بود را زد بدید.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، از اوایل شهریور امسال زنان و مردانی با حضور در شعبه چهارم دادیاری دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از دو مرد جوان به اتهام سرقت گوشی تلفن همراهشان شکایت کردند. با دستور دادیار مدرس، تحقیقات ماموران پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران آغازشد. بررسی‌ها نشان می‌داد مالیاتگنان هنگام مکالمه تلفنی در خیابان یا خودرو گرفتار دو سارقی شدند که سوار موتورسیکلت‌های آپاچی و هوندا بوده و بیشتر گوشی‌های سرقتی ایل و سامسونگ بوده است. دزدان در میدان آزادی، انقلاب، فرودگاه مهرآباد و دیگر محله‌های شهر تهران ۵۸تانیهای به این سرقت‌ها دست زده بودند. جست‌وجوهای پلیسی ادامه داشت تا این‌که چندروز پیش خانم جوانی که از گویندگان خبر تلویزیون بود، با حضور در پلیس آگاهی شکایت کرد که با همکاری سوار خودرویی در میدان آزادی بودند تا به خانه بروند که موتورسوزی به خودروی مورد نظر نزدیک شده و با قاپیدن گوشی‌اش فرار کرده است، اما موقع فرار سارق توانسته چهره او را به خاطر بسپارد. این در حالی بود که افسر پرونده چند بار به گوشی سرقتی گوینده خبر زنگ زد که کسی پاسخگو نبود و بعد تلفنش خاموش شد.
روز بعد از این ماجرا بود که خانمی با شماره مامور جوان تماس گرفت و اعلام کرد با این شماره چندبار به گوشی نامزدش زنگ زده شده است. زمانی‌که مامور به او گفت گوشی نامزدش سرقتی بوده وی شوکه شد و با حضور در پلیس آگاهی گفت: من و محسن مدتی بود که نامزد کرده بودیم، اما او چند بار تلفنی و تلگرامی با چند خانم دوست شده و به من خیانت کرده بود که این اواخر قول داد اشتباهاتش را جبران کند و بعد ازدواج کنیم. آن شب وقتی چند بار گوشی جدیدی که می‌گفت خریداری کرده زنگ خورد و او پاسخ نداد.

مسکوئی هستند، اعلام می‌شود: این فیلم مورد بررسی قرار گرفته و صحت آن تایید نمی‌شود.
پلیس در سراسر کشور در حال بررسی این فیلم بود تا اگر ارتباطی به ماموران نیروی انتظامی داشته باشد، افراد و مکان مورد نظر را شناسایی کند.
کلاه افراد حاضر در فیلم متعلق به یگان ویژه نیست، بلکه کلاه

آنها به خانه‌ای مجلل و فاقد سکنه در یوسف‌آباد در رفت و آمد هستند.
ماموران در ادامه دریافتند مالک خانه، یکی از هنرپیشه‌های معروف در دهه ۷۰ است که از مدتی قبل به خاطر جعل و کلاهبرداری در زندان به‌سر می‌برد. دزدان خانه این بازیگر را پاتوق خود کرده و اموال سرقتی را در آنجا پنهان می‌کردند.
ماموران با دستور قضایی راهی خانه شده و چهار سارق را دستگیر کردند. همچنین در بازرسی از محل تعدادی از اقام سرقتی شامل چهار دستگاه موتورسیکلت، گوشی‌های تلفن همراه، تابلوهای

سارقانی که خانه اعیانی يك هنرپیشه معروف تلویزیون در دهه، ۷۰

را به پاتوق خود بدل کرده بودند، دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، با افزایش انواع سرقت‌ها از جمله موبایل قاپی، سرقت مغازه، خانه و موتورسیکلت، در محدوده سرکلانتری سوم پلیس پیشگیری پایتخت، شناسایی متهمان در دستورکار ماموران قرار گرفت و با انجام تحقیقات از سوی ماموران کلانتری ۱۲۵ یوسف‌آباد، ردپای دو سارق حرفه‌ای که پیش از این به اتهام سرقت دستگیر شده بودند، در این پرونده به دست آمد. متهمان تحت تعقیب قرار گرفتند و مشخص شد

خانه

هنرپیشه زندانی

پاتوق

دزدان حرفه‌ای

راز رفیق‌کشی در باغچه خانه قاتل

روستایی حوالی زنجان رفتیم.

پس از مصرف مواد مخدر از او خواستم بدهی سه میلیون تومانی‌اش را پرداخت کند. اما داوود شروع به سروصدا و فحاشی کرد و وقتی به خانواده‌ام ناسزاگفت، من عصبانی و با وی درگیر شدم و هنگام درگیری با شنی سنگین که در اتاق بود چند ضربه به سرش زدم و او به زمین افتاد.

بعد از چند لحظه متوجه شدم، مرده است. برای خلاص شدن از دست جسد، تنها فکری که به ذهنم رسید این بود که جسد داوود را در باغچه‌خانه‌مان دفن کنم. به سرعت نقشه خود را عملی کرده و با کندن گودالی به عمق نیم متر جسد داوود را دفن کردم و با خودروی پراید



شدم، ولی از ترس شناسایی شدن توسط پلیس،

خودرو را در کاشان رها کردم.

پس از اعترافات متهم، کارآگاهان به روستای محل جنایت رفته و جسد مقتول را کشف کرده و به تهران منتقل کردند.

سرهنگ کارآگاه علی گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی در پایان گفت: با توجه به اقرار مجید به قتل داوود و کشف جسد مقتول، متهم با دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران برای تحقیقات تکمیلی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

گزارش کارشناس اسلحه

کلید معمای قتل دوست قدیمی

مرد جوان که به دلیل اختلافات مالی با نقشه قبلی دوست خود را با شلیک گلوله از پای درآورده بود، در حالی

در دادگاه مدعی خودکشی دوستش شد که کارشناس اسلحه این ادعا را رد کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دی ۹۷ ماموران گشت در

جاده جاجرود متوجه خروج يك وانت پیکان از جاده و رفتار راننده مشکوک شدند. زمانی‌که ماموران خود را به ماشین رساندند، دیدند که سرنشین خودرو تیر خورده و راننده از ماشین پیاده شده و در حال تماس گرفتن با اورژانس است. راننده که جمشید نام دارد، در اولین توضیح به ماموران گفت: «در ماشین با دوستم نشستیم بودیم که او ناگهان سلاحی از جیبش درآورد و اقدام به خودکشی کرد.»

مرد مجروح به نام حمید که هنوز جان در بدن داشت و هوشیار بود، با این‌که از شدت درد توان صحبت نداشت، با حرکت سر حرف‌های جمشید را تکذیب کرد و بعد با دست به جمشید اشاره و تلاش کرد به ماموران بفهماند جمشید به او شلیک کرده است. ماموران همین سوال

همزمان با مرگ مشکوک دختر ۲۶ سال‌های

بعد از مصرف قلیان، تحقیقات پلیس جنایی پایتخت برای یافتن و تحقیق از دو پسری که آخرین بار با او در قهوه‌خانه‌ای دیده شده بودند، آغاز شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه هشتم آن‌را امسال یکی از ماموران کلانتری ابوسعید در تماس با بازپرس کشیک

مرگ مشکوک دختر جوان بعد از کشیدن قلیان

قتل دادرسی جنایی تهران از مرگ مشکوک

دختر ۲۶ سال‌های در بیمارستان لقمان خبر

داد. با دستور قضایی، تحقیقات ماموران اداره

دهم پلیس آگاهی تهران برای رازگشایی از مرگ

اوتغاز شد. با تحقیق از مسوولان بیمارستان

معلوم شد که دختر جوان در خانه حالش بد

شده و خانواده‌اش او را برای ادامه درمان به

بیمارستان منتقل کردند اما با توجه به تلاش

پزشکان، او فوت کرده است.

این در حالی بود که تحقیقات حاکی از این بود

که او بر اثر مسمومیت فوت کرده و مرگ او

مشکوک به نظر می‌رسید. در جریان تحقیقات،

ماموران به تحقیق از خانواده دختر فوت شده

پرداختند که مشخص شد او بیرون از خانه بوده

و زمانی که بازگشته، گفته که سرش درد می‌کند

و قرص‌های آرام‌بخش مصرف کرده و در اتاقش

گفت دختر جوان آن روز همراه پسر مورد علاقه‌اش و پسر دیگری برای مصرف قلیان به قهوه‌خانه‌ای در شهر قدس رفته‌اند و زمانی که از آنها جدا شده و به خانه بازگشته بدحال شده و قرص‌های آرام‌بخش مصرف کرده تا حالش بهتر شود که نشده و سرانجام فوت کرده است. با مشخص شدن این موضوع، روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد. در این ارتباط پرونده‌ای در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد. تحقیقات پلیسی برای شناسایی دو پسر جوان ادامه دارد.

خواهیده است. زمانی‌که آنها برای بیدار کردن

وی به اتاقش رفته‌اند مشاهده کرده‌اند که او

بدحال شده و به‌سختی می‌تواند از سر جایش

بلند شود. او را به بیمارستان رسانده‌اند که در

آنجا فوت کرده‌است.

برای رازگشایی از ماجرای مرگ مشکوک این

دختر جوان، ماموران به تحقیق از دوستان وی

پرداختند که یکی از آنها در جریان تحقیقات